

حذف تیم‌های ایرانی از لیگ قهرمانان بدون هیچ دستاوردی

# همان‌همیشگی!

سعودسیاهان‌به‌مرحله

حذفی لیگ قهرمانان شیوانوروزی

امید را برای فوتبال باشگاهی ایران زنده نگه داشت، اما همانطور که پیش‌بینی می‌شد آخرین نماینده کشورمان نیزمقابل حریف تسا دندان مسلحش با گل‌های خورده ز یاد از گر دونه رقابت‌ها کنار رفت تا یک بار دیگر با این واقعیت تلخ مواجه شویم که در میان قدرت‌های باشگاهی قاره کهن حرفی برای گفتن نداریم. تکرار ناکامی در فوتبال باشگاه‌های آسیا حسرت‌مان برای رسیدن به جام را به ۳۵سال رساند. طی این مدت شرایط فوتبال باشگاهی در قاره دگرگون شده و کشورها برای رسیدن به سطح جهانی تلاش زیادی کرده‌اند، اما در فوتبال ما تنها دستمزد بازیکنان، مربیان و خرج و مخارج باشگاه‌ها رشد داشته و در عوض از نظر فنی روندی نزولی را تجربه کرده‌ایم.

■ ■ ■

وضعیت این روز‌های مدعیان فوتبال در آسیا به هیچ‌وجه قابل مقایسه باشرایط نیست. عقب‌ماندگی مستطیل‌سبز ایران از رقبا تنها به بحث فنی خلاصه نمی‌شود بلکه در زمینه برنامه‌ریزی، مدیریت حرفه‌ای، آموزشی، زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری نیز فقط شعار و وعده داده‌ایم. اصرار روی تداوم مدیریت غیر حرفه‌ای و عمل نکردن به وعده‌ها کار را به جایی رسانده است که حتی تیم‌های درجه ۲ و ۳ آسیا نیز از ما پیشی بگیرند. جدا از ترقی تیم‌های شرق قاره، در غرب آسیا و همین کشورهای همسایه خودمان، سال‌هاست تفکرات‌شان جهانی شده و از نظر امکانات و زیرساخت‌ها به جایی رسیده‌اند که بهترین تیم‌های جهان اردوهای شان را در حاشیه خلیج فارس برگزار می‌کنند. مدیران ایرانی نیز در مواجهه با این سطح از پیشرفت و حرفه‌ای‌گری با ذوق و شوق از امکانات تیم‌های حرفه‌فیلمبرداری می‌کنند! فراموش نکنیم استقلال، یکی از قطب‌های فوتبال ایران، برای دومین فصل فصل‌به‌فصل به دلیل نگرتن مجوز حرفه‌ای از لیگ قهرمانان کنار گذاشته شد! آن هم در شرایطی که مدیران دم از برطرف کردن مشکلات کسب مجوز حرفه‌ای می‌زدند، ولی در نهایت AFCباز هم به بی‌ای‌ها مجوز حضور در لیگ‌قهرمانان نداد.

■ ■ ■

سیاهان در گروه C رقابت‌ها حریف سرسختی چون الاتحاد داشت. هم‌گروهی با این تیم عربستان مشکلات زیادی برای فوتبالت‌کرومان ایجاد کرد. اولین روبرواری تیم مورایس در آسیا با تیم نیروهوایی عراق بود. در این بازی زردپوشان بازی برده را با



سیاهان فقط یک‌نیمه طول کشید و بعد از آن سه بار دروازه پیام نیازمند باز شد تا آخرین بازمانده فوتبال ایران از لیگ‌قهرمانان کنار برود.

■ ■ ■

در حضور النصر عربستان، پرسپولیس از همان ابتدای‌نیز می‌داشت‌نمی‌تواند امید به صدرنشینی داشته باشد. الدحیل قطر و استقلال تاجیکستان تیم‌هایی بودند که تیم جحیی گل محمدی به شکست آنها امیدوار بود. ۱۲گل به حریف ازیک خود زد. پیروزی بر نیروهوایی شانسن صعود را افزایش داد. هر چند سیاهان در عربستان مغلوب الاتحاد شد، ولی این تیم به عنوان یکی از بهترین تیم‌های دوم مسابقات‌راهی یک‌هشتم‌نهایی شد. تقابل با الهلال، تیمی پرستاره، و متمول و با امکانات سخت‌افزاری مدرن، قطعا برای هیچ تیم ایرانی آسان نیست. سیاهان در بازی رفت میزبان بود و خوشبختانه این بار مستولان موانع موجود را رفع کردند و مشکلی برای انجام دیدار در نقش‌جهان وجود نداشت. تیم اصفهانی نیمه اول را با یک گل پیروز شد اما طوفان الهلال در نیمه‌دوم سه گل به همراه داشت. همین اتفاق در بازی برگشت هم تکرار شد؛ برتری کشیده شود. پرسپولیس باید در خانه تیم قطری را

# ۶۶

عقب‌ماندگی مستطیل‌سبز ایران از رقبا تنها به بحث فنی خلاصه نمی‌شود بلکه در زمینه برنامه‌ریزی، مدیریت حرفه‌ای، آموزشی، زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری نیز فقط شعار و وعده دادیم. اصرار روی تداوم مدیریت غیر حرفه‌ای و عمل نکردن به وعده‌ها کار را به جایی رسانده است که حتی تیم‌های درجه ۳، ۲ آسیا نیز از ما پیشی بگیرند

بربیاید و در مجموع دو بازی رفت و برگشت ۵ بر ۲ شکست خورد. باخت در دیدار برگشت کار نساجی را یکسره کرد و نساجی لقب اولین تیم حذف‌شده ایرانی از آسیا را گرفت. تیم مازندرانی در نهایت با کسب تنها شش امتیاز و سومی در گروهش به کار خود در لیگ‌قهرمانان پایان داد.

■ ■ ■

فوتبال آسیا هر سال تغییرات زیادی را تجربه می‌کند چراکه کنفدراسیون تلاش می‌کند فوتبال قاره‌کهن را در مسیر پیشرفت قرار دهد. تیم‌های متمول عربی با پولپاشی‌های گسترده، ستاره‌های اروپا را خریده و به آسیا کشانده‌اند، آنها علاوه بر این برنامه‌ریزی و ویژه‌ای هم برای ترقی فوتبال خود دارند. در این بین تیم‌های شرق قاره نیز کم‌کمان روی اهداف بلندمدت خود کار می‌کنند و چشم‌اندازشان فراتر از آسیاست، اما ما هنوز تکلیف‌مان با خودمان معلوم نیست. از یک طرف میلیاردها تومن را از بیت‌المال خرج خرید بازیکن و مربی می‌کنیم، در حالی که باشگاه‌ها هر فصل بدهی‌های شان اضافه می‌شود و از طرف دیگر حتی امکانات اولیه پیشرفت را نداریم و بدیهی‌ترین قوانین فوتبال حرفه‌ای را نیز رعایت نمی‌کنیم. در واقع نداشتن اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باعث شده است باشگاه‌ها فقط نوک دماغ‌شان را بیینند و نهایت آرزوی‌شان قهرمانی در لیگ، برتری در دربی، کری خوانسدن برای حریف و بیزدن فلان بازیکن در چند هفته است. مدیریت کلان برای ما اصلا مدنی ندارد و همین که گرفتن لیگ‌قهرمانان داشته باشیم، آقایان را راضی می‌کند، منتها خبری از برنامه‌ریزی نمی‌شود و عملا همه بذیرفته‌ایم جایی در بین برترین تیم‌های آسیانداریم. متأسفانه اقتدر تنزل کرده‌ایم که گرفتن میزبانی، گرفتن مجوز حرفه‌ای و عکس یادگاری با ستاره‌های رقبا نهایت آرزوی مدیران ماست. باید به خودمان بباییم و اساسی تغییر کنیم. در این صورت حداقل پای چند سال بگذرد تا قدری از عقب‌ماندگی‌های این سال‌ها جانبران شود. بر غیر از این صورت ناکامی تیم‌های ایرانی در فوتبال باشگاهی آسیا همچنان ادامه خواهد داشت.

■ ■ ■

اولین حضور در آسیا برای نساجی سخت‌تر از حد تصور بود. این تیم مازندرانی حتی نتوانست دیدارهای خانگی‌اش را در قانمشهر برگزار کند. تبعید به تهران و بازی در آزادی برای یک تیم اصلا مدنی ندارد و همین که گرفتن لیگ‌قهرمانان برای قهرمانی در جام حذفی برای نخستین‌بار جواز بازی در لیگ‌قهرمانان را کسب کرد. در گروه چهارم الهلال، مومبای‌سیتی و نوپهار حرفان نساجی بودند. شاکردان سیدمهدی رحمتی ابتدا به هند رفتند و با مومبای‌سیتی بازی کردند. پیروزی ۲ بر صفر شرعی امیدوارکننده برای نساجی محسوب می‌شد، بر غیر از این باخت ۳ بر صفر در آزادی برابر الهلال واقعیت‌ها را آشکار کرد. نساجی حتی نتوانست از پس نوپهار

نگاه کارشناسان در گفت‌وگو با دوجان | دنیا حیدری

سرمایه‌گذاری اصولی رقبا برای پیشرفت

## راه‌را اشتباه‌رقیم

پولی که داشتیم از دست‌رفته که آبروی فوتبال کشور نیز در جماع بین‌المللی خنده‌دار شده است. در واقع تنها راه پایان‌دادن به ناکامی‌های فوتبال ایران چه در ده باشگاهی و چه ملی، طراحی یک برنامه بلندمدت است؛ برنامه‌ای جامع که بتواند آینده تیم‌های فوتبال ایران را تضمین کند چراکه ما هم به لحاظ زنتیکی از کشورهای قاره به خصوص کشورهای عربی حاشیه خلیج همیشه فارس سرت‌ر هستیم و هم به لحاظ اقبال و استقبال عمومی، ضمن اینکه به لحاظ مالی و سرمایه‌یازی اگر بخواهیم اصولی هزینه کنیم، چیزی از رقبا کم نداریم و چه بسا حتی بتوانیم با سرمایه‌ای به مراتب کمتر، بازدهی به مراتب بیشتری داشته



باشیم، اما این موضوع مستلزم داشتن برنامه‌ریزی اصولی و حرفه‌ای است، ولی طی تمام این سال‌ها روی دو مقوله مهم برنامه‌ریزی و آموزش اصلا فکر و کار نکردیم، در حالی که با تربیت نیروی متخصص چه در زمینه بازیکن، مربی، چه مدیر و داووم می‌توانستیم تا حد زیادی از هدررفتن سرمایه‌های فوتبال کشور جلوگیری کنیم و با اجرای برنامه جامع و بلندمدت، به سمت پیشرفت و موفقیت‌گام برداریم، به همین دلیل همواره به دنبال جذب بازیکن و مربی بودیم اما حتی در این زمینه هم عملکرد خوبی نداشتیم و عمدتاً دلیل همواره به دنبال جذب بازیکن و مربی بودیم اما راه‌های هفتگی هم برای آنها در پی داره، اما این مشکلاتی از فوتبال ایران حل‌کنند، در حالی که به وضوح

رقبا برنامه‌ریزی دارند، ما نه

## مشکل، تفکر حاکم بر فوتبال است نه تیم‌های باشگاهی

این کشور را بر سر زبان‌ها انداخت، به طوری که حالا تمام دوستداران فوتبال، به خوبی این کشور را می‌شناسند و قطر به واسطه همین شناسخت و تبلیغات توانست خود را بالا بکشد، در حالی که ما هم به هر لحاظ از همه کشورهای حاشیه خلیج همیشه فارس سرت‌ر هستیم، اما به دلیل نداشتن برنامه و عدم رعایت اصول حرفه‌ای، از سایر کشورهای قاره عقب افتاده‌ایم و بدتر اینکه بعد از هر ناکامی، نه به اصل که بر فرعیات زوم می‌کنیم و در نهایت برای بقا، دست به اخراج سرمربی می‌زنیم؛ کاری که سال‌ها کشور‌های عربی انجام می‌دادند، اما حالا درست زمانی که آنها در یافته‌اند این مسیر موفقیت‌نیست، ما آن را در پیش گرفته‌ایم!



برنامه‌ریزی» اولین برتری کشورهای موفق قاره نسبت به ایران است، اما شما نگاه کنید اخبار بار که یک تیم چهار پنج سال به مربی خود جهت یک برنامه‌ریزی بلندمدت زمان داد، کی بوده است؟ نهایتاً به موارد انگشت‌شمار خواهیم رسید که آن هم در صورت کسب موفقیت بوده است و شما نمی‌توانید مربی را در فوتبال ایران نام‌برید که با وجود عدم نتیجه‌گیری، پنج‌سال زمان داشته باشد، برای اجرای برنامه‌هایش، در واقع همه به دنبال کسب نتیجه هستند و حاضر نیستند برای رسیدن به هدف یا کسب نتیجه‌اندکی زمان صرف کنند چراکه کسب موفقیت‌نیاز به کار ریشه‌ای و برنامه اصولی دارد.

این واقعیتی است که باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد که چرا کشوری مثل عربستان که در ده باشگاهی هیچ برتری نسبت به ایران نداشت، امروز به جایی رسیده که عبور از سد تیم‌های آن برای نماینده‌های کشورمان به یک چالش جدی تبدیل شده است. می‌توان مسئله را به هزینه‌های هنگفتی که این باشگاه‌ها می‌کنند ارتباط داد. می‌توان دلیل آن را جذب بازیکنان مطرح و البته پایه به سن گذاشته دنیا دانست، اما واقعیت این است که عربستان حتی اگر هزینه می‌کند هم اصولی و حساب‌شده هزینه می‌کند. اولاً که پولش را با جذب بازیکنان درجه‌چند دنیا به جوب آب نمی‌ریزد و بر عکس روی نفرانی دست می‌گذارد که نه تنها در بعد فنی که در زمینه تبلیغاتی

عدم نتیجه‌گیری تیم‌های باشگاهی ایران در لیگ قهرمانان آسیا بار دیگر افکار عمومی و همچنین اصحاب رسانه را به تکاپوی یافتن دلیل این ناکامی ادامه‌دار انداخته است.

سال‌هاست در چنین مواقعی در پی یافتن علت هستیم، اما به نتیجه‌ای می‌رسیم. شاید چون مسیر را اشتباه می‌رویم؛ ناکامی‌های مکرری که حاصل تفکر حاکم بر فوتبال ایران است و محدود به تیم‌های باشگاهی نمی‌شود. می‌توان لحظه‌به‌لحظه بازی‌های سپاهان، پرسپولیس و نساجی، نماینده‌های ایران در این دوره از رقابت‌های لیگ‌قهرمانان آسیا را زیر ذره‌بین قرار داد و به واکنش‌اشکالات منجر به عدم‌نتیجه‌گیری و باخت‌انها پرداخت، اما مسئله فراتر از یکی دو باخت تیم‌های باشگاهی است. مسئله به نوع نگاه و تفکر اشتباه حاکم بر فوتبال ایران برمی‌گردد. اگر غیر از این بود، باید تنها شاهد ناکامی تیم‌های باشگاهی بودیم، اما واقعیت این است که ناکامی فوتبال ایران تنها محدود به تیم‌های باشگاهی نیست و شرایط مشابه را چهار دهه متعادی است که در رده‌های پایه، امیدها و بزرگسالان شاهد هستیم، به طوری که حسرت حضور در المپیک از نیم‌قرن تجاوز کرده است، درست مانند حسرت صعود به دور دوم رقابت‌های جام جهانی.

در اصل برای پایان‌دادن به ناکامی‌های مکرر در لیگ قهرمانان آسیا، باید به واکاوی اصولی‌تر مسائل و مشکلات پرداخت، چراکه مشکل فراتر از یک دفاع ضعیف یا حمله بی‌دقت یا حتی خریدهای ناکارآمد است. مسئله به عدم‌برنامه‌ریزی اصولی برمی‌گردد، مقوله‌ای که با بررسی روند موفقیت کشورهای آسیایی به خوبی مشهود است. برتری کشورهای آسیایی و صاحب‌سبک قاره و برنامه‌ریزی بهتری است که دارند. درست است که این کشورها هزینه‌های بیشتری می‌می‌کنند اما در عین حال با برنامه پیش‌رفته و چارچوب حرفه‌ای را نیز به درستی و اصولی رعایت می‌کنند، به همین دلیل هم است که توانسته‌اند طی این سال‌ها پله‌های ترقی را طی کنند و به موفقیت‌های قابل توجهی دست یابند. جای تعمق دارد که از هشت تیم‌راه یافته به یک‌چهارم‌نهایی، سه تیم از عربستان هستند، این نه حادثه‌است و نه برحسب اتفاق.



رسول کریم‌کندی کارشناس فوتبال



مجید جلالی کارشناس فوتبال

سال‌های بعدی!

در واقع ناکامی نماینده‌های ایران در لیگ قهرمانان آسیا یک حلقه از ناکامی‌های زنجیره‌ای فوتبال ایران است. سال‌هاست ما سلسله‌ناکامی را در فوتبال ایران شاهد هستیم که باید خیلی بنیادی دنبال سرخ و علت آنها باشیم؛ اینکه چرا در حوزه تیم‌های پایه موفقیتی حاصل نمی‌شود، اینکه تیم امید چنددهه است نتوانسته به المپیک راه پیدا کند، اینکه سال‌های سال است در آرزوی کسب عنوان قهرمانی در جام ملت‌های آسیا با صعود به مرحله بعدی جام جهانی هستیم، بی‌ارتباط با عدم‌نتیجه‌گیری تیم‌های باشگاهی در لیگ قهرمانان آسیا نیست. تمام این موارد به شکل زنجیره‌ای بهم در ارتباط هستند؛ ناکامی‌هایی که همواره با یکسری دلایل سطحی و عامه‌پسند توجیه شدند، دلایلی که گاه ما را به سمت مربی خارجی سوق داده و گاه باعث بازگشت‌مان به سمت مربی داخلی شده و این چرخه باطل سال‌های سال است که تکرار می‌شود، بدون آنکه دنبال اصل مشکلات یا آسیب‌شناسی واقعی و دقیق باشیم.

کشورهایی که در سطح بالایی قرار دارند و ما باید با آنها رقابت کنیم، طی ۲۰سال و چه بسا بیشتر، اقداماتی را انجام دادند که زمینه پیشرفت آنها را مهیا کرده و باعث شده است از ما جلو بزنند. این طور نیست که تصور کنیم یک تیم با جذب چند مهره خوب طی یکی دو سال مسیر پیشرفت را به درستی طی کرده و به قله‌های موفقیت برسد. نتایج خوب فوتبال، عقبه‌ای دارد که برنامه‌ریزی بلندمدت، کارهای بنیادی، کارهای مدیریتی که اتفاقاً زمان‌بر هم است، جزئی از آن است؛ عقبه‌ای که فوتبال ایران هرگز تجربه‌اش نکرده است. متأسفانه ما در فوتبال ایران با سرمایه‌گذاری نکردیم یا اگر کردیم مسیر را اشتباه‌رقیم که در نهایت باعث حیف و میل سرمایه شده است، به طوری که نه تنها